



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

چگونه توانستم دانش آموز پایه اول را به حضور در کلاس علاقمند کنم؟

علیرضا شریفی^۱، آرش علیپور^۲، هادی اندرزی^۳، فیروزه حیدری^۴، محبوبه اکبری^۵

۱- لیسانس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس بحرالعلوم شهرکرد

۲- لیسانس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس بحرالعلوم شهرکرد

۳- لیسانس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس بحرالعلوم شهرکرد

۴- لیسانس علوم تربیتی گرایش پیش دبستانی و دبستان دانشگاه شیراز

۵- لیسانس معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون

چکیده

شاید برای بسیاری از افراد عادی این گونه به نظر رسد که خدمت در دوره ی مدرسه بسیار آسان بوده و با صرف کمترین زمان ممکن می توان مطالب را به دانش آموز انتقال داد. حال آنکه افراد متخصص و معلمین و معاونین محترم از این موضوع مطلع اند که تدریس و خدمت در این مقطع بسیار دشوارتر از دیگر مقاطع تحصیلی می باشد. در این اقدام پژوهی که موضوع آن علاقه مند کردن دانش آموزم حسین به مدرسه بود. دانش آموزم ابه حضور منظم در مدرسه در او سوق می دهیم؛ برای این منظور از روش تحقیق اقدام پژوهی استفاده کردیم. من که معلم مدرسه بودم با کمک دیگر همکارانم در مدرسه با دعوت مادر دانش آموز و چندین جلسه صحبت و از همه مهم تر اعطای مسولیت و بزرگ تر جلوه دادن نقاط قوت دانش آموز توانستیم رفتار دانش آموز را اصلاح کنیم. و به این نتیجه رسیدیم که نیاز به محبت و توجه از طرف خانواده باید تامین شود تا بتواند با خیالی آسوده تر در کلاس و مدرسه حاضر شود.

کلیدواژگان: دانش آموز ، کلاس ، مدرسه ، علاقه مند



اولین مسئله ای که در فرستادن کودک به مدرسه حائز اهمیت باشد، میزان آمادگی وی برای پذیرش نقش و مسئولیت دانش آموزی است. آمادگی را می توان با توجه به سن تحولی و رشد وی، میزان انطباق جویی وی با شرایط اجتماعی شدن و درک تضادها و توقعات آموزشی سنجید نه به اتکای نمره استاندارد شده یک آزمون خاص، از این رو فرستادن کودک به کلاسهای آمادگی تا حد زیادی تعیین کننده ی میزان آمادگی کودک برای رفتن به کلاس اول است. هر چند برخی ویژگیها مانند اینکه: هنگام مدرسه رفتن گریه می کنند، به موقع لباس نمی پوشند، صبحانه نمی خورند، تظاهر به درد شکم و معده می کنند، وقت را تلف می کنند و صراحتاً می گویند: «من نمی خواهم به مدرسه بروم». در اکثر کودکان هفت ساله دیده می شود، اما همین که کودک به مدرسه رسید، تمامی این شکایت به پایان می رسد و کودک با سایر کودکان همگام و همراه می شود. اما کودکی که آمادگی رفتن به مدرسه را ندارد، نه تنها قادر به انطباق اجتماعی، نقشها، مسئولیت ها، به کارگیری مهارتهای اجتماعی، دوست یابی و ... نیست، بلکه نمی تواند از مفاهیم آموزشی بهره لازم را نیز بگیرد (همان منبع).

دانش آموز تنها برای آن به مدرسه نمی رود که مهارت بیاموزد و معرفت اندوزد بلکه مدرسه در جهت رشد آفرینندگی و راهنمایی او نیز وظیفه ی مهمی دارد. آموزش مهارت ها و رشد خلاقیت بدون یک برنامه ی راهنمایی میسر نمی باشد. راهنمایی دانش آموزان از آن جهت ضروری است که الگوهای رفتاری، و ویژگی های شخصیتی آنان از فردی به فرد دیگر متفاوت است. و از این رو لازم می آید علاوه بر کار کردن در گروه به فرد فرد آنان نیز توجه شود. و کمک های متناسب به هر کدام از آنها نیز فراهم آید. تنها در این صورت است که می توانیم مطمئن شویم که به کیفیت تعلیم و تربیت توجه لازم میزودل شده است.

کودکان این سن هنوز هم بیش از حد فعال هستند و چون برای اولین بار مجبور می شوند که بیشتر نشسته فعالیت کنند انرژی خود را به شکل عادات عصبی چون جویدن مداد - مکیدن انگشت - پیچ دادن مو و بیقراری عمومی صرف کنند. مدرسه و اولیای مدرسه نقش مهمی در جذب و آرامش دانش آموز دارند و می توانند دانش آموز را با روش های درست از حالت غریبه و بیگانه خارج کرده و در کاهش اضطراب و آشنایی دانش آموز با محیط جدید مؤثر باشند. من در اوایل سال تحصیلی این بی علافگی تحصیلی را در یکی از دانش آموزان به نام (فاطمه) در کلاس یکی از همکاران دیدم و خیلی دوست



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

داشتم به او کمک کنم و این بی‌علاقگی دانش آموز را بهبود بخشم و بخاطر همین جریان‌ها بود که من از میان مشکلات مدرسه این مشکل را برای فعالیت تحقیق عنوان پژوهی انتخاب نمایم.

بیان مسئله:

عده‌ای از روانشناسان رفتار انسان را متأثر از احساسات او می‌انگارند. یعنی احساسات انسان ایجاد کننده رفتار او می‌باشد. اعتقادات و ادراکات انسان به وجود آورنده رفتارها هستند. از نظر تربیتی نیز این عقیده بسیار اهمیت دارد. اگر دانش‌آموزی احساس کند که معلمش او را دوست دارد، رفتارش نسبت به آن معلم دوستانه خواهد بود و به درس آن معلم نیز علاقه مند می‌شود. در مقابل اگر احساس کند که معلم او را دوست ندارد، احتمالاً نسبت به درس آن معلم نیز علاقه‌ای ندارد. باید کوشید تا چیزهایی را که دانش‌آموز در زندگی به آنها علاقه دارد شناسایی نمود و کار کردن با دانش‌آموز را از چیزهای دوست‌داشتنی آغاز کرد. دعواهای خانوادگی زن و شوهر و تداوم آنها یکی از عواملی است که بشدت سبب تضعیف روحیه و بی‌علاقگی تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود. از آنجایی که کودکان در چنین لحظاتی زود انرژی و توان خود را از دست می‌دهند و نمی‌توانند همزمان با تحصیل بار مشکلات خانوادگی را نیز به دوش بکشند خسته و ناتوان می‌شوند و اولین آثار خستگی روحی آنها را می‌توان در کیفیت نمرات درسی آنها مشاهده کرد. والدین نباید در چنین شرایطی از فرزند دانش‌آموز خود توقع نمرات خوب داشته باشند و به او بگویند این دعاها ربطی به تو ندارد. چنین چیزی غیر ممکن است زیرا فرزندان جزئی از محیط خانواده هستند و هر چیزی چه مثبت چه منفی تأثیرات زیادی روی آنها در محیط خانواده خواهد داشت. این وظیفه والدین است که مراقب روحیه فرزندان دانش‌آموز خود باشند تا مانع از فرورفتگی شخصیتی آنها شوند و به این ترتیب راه را بر هر نوع زمینه انحرافی که در چنین لحظاتی آینده فرزندان را تهدید می‌کند ببندند.

عده‌ای از روانشناسان رفتار انسان را متأثر از احساسات او می‌انگارند. یعنی احساسات انسان ایجاد کننده رفتار او است. به عبارت دیگر احساسات، طرز فکرها، اعتقادات و ادراکات انسان به وجود آورنده رفتارند. از نظر تربیتی نیز این عقیده بسیار اهمیت دارد. اگر دانش‌آموزی احساس کند که معلمش او را دوست دارد، رفتارش نسبت به آن معلم دوستانه خواهد بود و به درس آن معلم نیز علاقه مند خواهد شد. در مقابل اگر احساس کند که معلم او را دوست ندارد، احتمالاً نسبت به درس آن معلم نیز علاقه‌ای نخواهد داشت.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

توصیف وضع موجود:

اینجانب در این آموزشگاه با دانش آموزی به نام (فاطمه) برخورد کردم که علاقه زیادی به درس و مدرسه نداشت. متأسفانه تعدادی از همکاران زمانی که در شروع سال تحصیلی به کلاس وارد می شوند، دانش آموزان گستاخ و شلوغ را شناسایی کرده و برای جلوگیری از مشکلات بعدی با طعنه و دشنام و تحقیر سعی در سرکوب کردن او می نمایند. این عمل ممکن در مورد تعداد انگشت شماری از دانش آموزان، به ظاهر با موفقیت همراه باشد اما آتش لجاجت را در وجود او شعله ور می کند و حداقل کاری که می کند توجه نکردن و دل سرد شدن از درس می باشد و در مورد تعدادی از دانش آموزان نیز باعث درگیری های لفظی و زمینه تنبیه های بدنی و غیر بدنی می گردد.

درست است که مدیر و معلم در شروع سال تحصیلی باید به شناسایی دانش آموزان بپردازد و بلکه این بهترین کار می باشد اما این شناسایی باید برای ریشه یابی مشکلات جسمی و رفتاری او باشد. دانش آموزان یک کلاس فقط از نظر پایه تحصیلی با هم یکی هستند و در بقیه موارد مثل بهره هوشی، استعدادها، توانمندی ها، سطح درآمد خانواده، سطح سواد، فرهنگ و ارزش های مورد قبول خانواده با هم متفاوتند. شاید دانش آموزی که اینک سرکلاس نشسته است، شب گذشته شاهد بدترین نزاع و درگیری پدر و مادر بوده است. دیگری به دلیل مشکل مالی خانواده، از تغذیه درستی برخوردار نیست و از نظر جسمانی آمادگی پذیرش درس را ندارد. دیگری مرتب مورد تحقیر و سرزنش خانواده قرار دارد و در جواب آن ها لجاجت و سرکشی را در پیش گرفته است. در کنار آن ها کسی است که از فرط توجه و حمایت پدر و مادر نیازی به توجه به درس و معلم نمی بیند. حال چگونه می توانیم از همه انتظارات یکسان داشته باشیم. چرا به جای این که به دانش آموز بر چسب گستاخ، پررو، بی تربیت و تنبل بزنیم، ریشه مشکل را پیدا نکنیم. درست است که حل کردن مشکل تمام دانش آموزان و یا حتی بعضی از آن ها در توان معلم نیست، اما شناخت مشکل و توجه به آن ممکن و راه گشا می باشد.

گرد آوری شواهد ۱:

فاطمه از ابتدای سال گاهی به بهانه های مختلف با ماندن سر کلاس مخالفت می کرد و از اوایل آذر ماه این بهانه ها بیشتر شد، به خصوص اینکه به خواهرش بسیار وابسته بود. رفتن به مدرسه به صورت ترس برای او و اهل خانواده بود و در صورت رفتن هم، کلاس را رها کرده و به خانه بر می گشت. او در سر کلاس به درس گوش نمی داد و علاقه ای به درس و مدرسه از خود نشان نمی داد. همیشه موقع درس خواندن حواسش پرت بود و با اطرافیان صحبت می کرد. من و خانواده او و همه ی عوامل مدرسه در پی راهکاری بودیم که این مشکل حل شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

با توجه به اطلاعات جمع آوری شده از کتاب، مجله، سایت های اینترنتی و ... برای گرد آوری شواهد لازم جهت تشخیص مسئله اقدامات زیر را انجام دادم :

۱- مشاهده رفتار دانش آموز در بازرسی از کلاس

در هفته دوم آبان ماه در مشاهده رفتار (فاطمه) در بازرسی از کلاس متوجه شدم او دانش آموز بسیار آرام و کم حرفی است. بسیار به ندرت در کلاس با من و سایر هم کلاسی هایش صحبت می کند. بیشتر اوقات در کلاس سرش را پایین انداخته و در بحث های گروهی و کلاسی و پرسش و پاسخ در کلاس هیچ زمانی داوطلب نیست و در بعضی اوقات هم در حال گریه کردن است. همیشه با مادرش به مدرسه می آید و در هنگام آمدن به کلاس و رفتن مادرش همیشه نگران است.

۲- مصاحبه با مدیر و سایر همکاران مدرسه

در صحبتی که با مدیر مدرسه راجع به (فاطمه) داشتم، ایشان نیز به این موضوع اشاره کردند که (فاطمه) نمی تواند با سایر دانش آموزان ارتباط موثر و خوبی داشته باشد. بیشتر اوقات زنگ تفریح در حیاط فقط با یکی از هم کلاسی هایش دیده می شود. زمانی که با او کاری دارم و از او می خواهم به دفتر مدرسه مراجعه کند، پشت در دفتر ایستاده و جرات وارد شدن به داخل را ندارد. در صحبتی که با چند همکار دیگر داشتم آنها نیز اشاره کردند (فاطمه) بسیار آرام و ساکت است. و همیشه به مادرش وابسته است.

۳- مصاحبه با مادر (فاطمه)

در تماس تلفنی در مورخه ۱۴۰۲/۰۸/۱۳ از مادر (فاطمه) خواستم به مدرسه مراجعه کند تا با وی صحبتی داشته باشم. بعد از مطرح کردن مشکل (فاطمه) در کلاس و مدرسه از مادرش خواستم تا کمی راجع به رفتار (فاطمه) در منزل و نحوه برقراری ارتباط او با سایر اعضای خانواده و فامیل صحبت کند.

طبق گفته های مادرش آنها در خانه مشکل خانوادگی دارند و بین پدر و مادرش اختلاف وجود داشت ولی با این وجود (فاطمه) در منزل نیز دختری بسیار آرام بوده، خیلی کم با پدر و مادرش صحبت می کند و مسائل و مشکلاتش را به ندرت در منزل مطرح می کند. در مهمانی های خانوادگی اغلب شرکت نکرده و یا در صورت شرکت بسیار آرام و ساکت نشسته و با کسی صحبت نمی کند. در هنگام حضور مهمان در منزل نیز بیشتر وقت را در اتاق خود گذرانده و از حضور در جمع مهمان ها



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

خودداری می کند. البته قابل ذکر است که مادر (فاطمه) این نکته را به عنوان حسن رفتار (فاطمه) و نشان دهنده حجب و حیای وی مطرح کرد و از این مسئله بسیار خوشحال بود. مادر (فاطمه) به این نکته نیز اشاره کرد که خودش بسیار کم و مختصر صحبت می کند و اهل زیاده گویی و توضیح بیش از حد نیست و پدر (فاطمه) برای امرار معاش خانواده بیشتر وقت خود را در خارج از منزل سپری کرده و در ساعات فراغت از کار بیشتر استراحت کرده و بسیار کم با فرزندانش صحبت کرده و با آنها ارتباط برقرار می کند.

* ایجاد آمادگی ذهنی:

باید سعی می کردم با شروع سال تحصیلی ذهن فاطمه را نسبت به مدرسه، معلم آماده کنم. به طوری که با تعریف و تمجید واقعی و منطبق برواقعیت از مدرسه و معلمان شور و اشتیاق مدرسه رفتن را در کودک ایجاد نمایم مادرش نیز باید سعی می کرد به او اطمینان دهد معلمش مهربان است و او را حمایت خواهد کرد.

ایجاد انگیزه:

چند روزی در مشاوره ای که با فاطمه داشتم با علاقه و اشتیاق زیاد در باره آنچه که او در مدرسه خواهد آموخت مثل خواندن، نوشتن، حساب کردن، شمردن، نقاشی، ورزش کردن حرف زد. * مادرش نیز بنا بر توصیه من می بایست با کتاب خواندن برای فاطمه و هدیه دادن کتاب داستان به او علاقه او را به یادگیری خواندن و با سواد شدن افزایش می داد.

تجزیه و تحلیل و گردآوری اطلاعات

باتوجه به اطلاعات جمع آوری شده در رابطه با دلایل عدم علاقه به درس و کلاس و مشاهده رفتار فاطمه در کلاس و مصاحبه ای که با مادر فاطمه داشتم متوجه شدم از مهم ترین دلایل بی علاقه به درس در فاطمه و عدم علاقه به ماندن در کلاس می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نحوه تربیت والدین که ماندن همیشگی و جدا نشدن حتی چند ساعت از والدین را برای دختر یک مثبت می باشد و نشان دهنده حجب و حیای وی می دانند.

- عدم انگیزه در فاطمه به کلاس درس و مدرسه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

ارائه راهکار موقتی

۱- برای تشویق اوبرای ماندن در کلاس، جوایزی درقبال پیشرفت تحصیلی (ولوبه مقدارکم) درحضوردانش آموزان به اوداده شود.

۲- درزنگ های تفریح به اومسولیت (دربان) بدهیم تاخودش مانع رفتن سایر دانش آموزان از مدرسه شود.

۳- درصورت لزوم ارجاع به مشاور که بنده به دلیل تجربه و علاقه ای که به امر مشاوره داشتیم تصمیم گرفتیم با او در این امر مشورت و راهنمایی کنیم.

۴- مشاوره و راهنمایی خوددانش آموزونصیحت او

۵- ارتباط صمیمی ودوستانه معلم ان وسایرمعلمان بااو

دلایل انتخاب راه حل

(فاطمه) نیز مانند برخی از کودکان دچار مشکلاتی هم چون ناراحتی، بی قراری، ترس از مدرسه و حتی بیزاری و تنفر از کلاس و بی علاقه‌گی به درس شده است. ترس غیر منطقی (فاطمه) از مدرسه به معنی امتناع از مدرسه رفتن و یکی از نشانه های اضطراب جدایی از والدین، خانه، خانواده و بخصوص مادر و یا شرایطی است که به آن وابسته شده است.

دلایل بی علاقه‌گی (فاطمه) به درس و کلاس و ماندن در مدرسه

۱- اضطراب جدایی: معمولا مادران بچه هایی که دچار اضطراب جدایی هستند، شخصیتی افراطی، مضطرب، بیش از حد حمایت کننده، مردد، حساس و عاطفی هستند که اضطراب خود را با بیان افکار منفی و عمل خود به بچه ها منتقل می کنند

۲- یادگیری: ترس و یا امتناع از مدرسه بیش از آن که علت شخصیتی و عاطفی داشته باشد ناشی از یادگیری است مادر یا پدری که در ارتباط با کودکان خود مفاهیم و یا نکته های منفی از مدرسه، تنبیه و توبیخ ها و تجارب ناخوشایند خود را از دوران تحصیل بیان می کنند و از آن ها می خواهند که مواظب رفتارهایشان باشند خواه ناخواه باعث ترس کودکان از مدرسه می شوند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

* کم کردن وابستگی (فاطمه):

باید مادر (فاطمه) سعی می کرد با استفاده از روش های مناسب (مثل گذاشتن (فاطمه) در خانه اقوام به مدت یکی دو ساعت در روز به صورت پراکنده یا بردن او به پارک و همراه کردن او با کودکان همسن و سال خودش) به تدریج وابستگی (فاطمه) را به خود کم کند.

* ایجاد آمادگی ذهنی در (فاطمه):

باید سعی می کردم با شروع سال تحصیلی ذهن (فاطمه) را نسبت به مدرسه، معلم آماده کنم. به طوری که با تعریف و تمجید واقعی و منطبق برواقعیت از مدرسه و معلمان شور و اشتیاق مدرسه رفتن را در کودک ایجاد نمایم مادرش نیز باید سعی می کرد به او اطمینان دهد معلمش مهربان است و او را حمایت خواهد کرد.

ایجاد انگیزه:

چند روزی در مشاوره ای که با (فاطمه) داشتم با علاقه و اشتیاق زیاد در باره آنچه که او در مدرسه خواهد آموخت مثل خواندن، نوشتن، حساب کردن، شمردن، نقاشی، ورزش کردن حرف زدم. * مادرش نیز بنا بر توصیه من می بایست با کتاب خواندن برای (فاطمه) و هدیه دادن کتاب داستان به او علاقه او را به یادگیری خواندن و با سواد شدن افزایش می داد.

اجرای راهکارها

در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۲ برای تشویق اوجوایز مختلفی که توسط مدرسه و حتی اولیا تهیه شده بود به دانش آموزان داد. درزنگ های تفریح مسوولیت درباری را به او سپردیم و همچنین خودمان با او مشاوره کردم؛ بهانه های مختلفی می آورد، گاهی می گفت: «من از معلم خوشم نمی آید». «می خواهم جایم را عوض کنم». در عمل به هیچ کدام از این هاراضی نمی شد و از جواب دادن طفره می رفت. حتی تهدید هم اثر نمی کرد. او دلیل آن را خستگی او عنوان می کردند. و همچنین نمی توانده بازی هایش برسد.

طی دو جلسه مشاوره با این دانش آموز و مادرش که انجام شد. نتیجه ای قابل توجهی گرفتیم. با اینکه همه ی راهکارها را خود دانش آموز از قبل بلد بود. و هیچ کدام از راه حل ها او را راضی نمی کرد. طی چندین جلسه دعوت اولیای دانش آموز به مدرسه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

و همچنین مراجعه به خانه آن ها (از آن جایی که دختران در این سن وابستگی عاطفی زیادی به مادر دارند) کمک قابل ملاحظه ای در حل این مشکل کرد.

آن جلسه به (فاطمه) مسوولیت درباری دادیم و من هم در دفتر مدرسه بدم و قرار بود که به اوبه دفتر سر بزنده که یادش رفت و از روز به بعد بود که اودر کلاس درس حاضر می شد. البته به اولیا به خصوص به مادرش توصیه کردیم که حتی الامکان نیم ساعت مانده به وقت تعطیلی مدرسه در خانه حاضر باشد و در خانه حرف از برنامه های خرید و دید و بازدید در زمانی که (فاطمه) در مدرسه بوده نزنند.

گرد آوری شواهد ۲

(فاطمه) در طول دو ماه بعد حدودا در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ از اجرای راهکارهای پیشنهادی، حضور در کلاسش منظم بود. به گفته پدر و مادرش دیگر کمتر بهانه می گرفت. حتی تنهایی و یا با دوستانش به مدرسه می آمد. معلم (فاطمه) هم از رفتار و آرامش اودر کلاس و مدرسه رضایت داشت. راه حل درست و منطقی در برخورد با دانش آموزان این است که به او توجه کنیم و احترام بگذاریم. احترام یکی از بزرگ ترین عوامل جلب محبت و اطاعت است و توهین به شخصیت مردم یکی از مهم ترین وسایل برانگیختن دشمنی و مخالفت است.

همچنین نیاز آدمی به تحسین و تشویق از تمایلات فطری است و تا پایان عمر با آدمی می ماند. اصولا تصور این که عمل انسان مورد قبول دیگران واقع شود به انسان قدرت می بخشد و انسان از آن لذت می برد. شاید بعضی معتقد باشند که یک دانش آموز گستاخ و تنبل موردی برای تشویق ندارد. در صورتی که این طور نیست و معلم باید با صبر و حوصله ای که به خرج می دهد، رفتارهای نادرست دانش آموز را ندیده بگیرد و در عوض به دنبال کوچک ترین و کم اهمیت ترین مورد برای تشویق باشد.

ارزشیابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار آن

آماده ساختن دانش آموز برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی، یکی از بزرگترین وظایف اجتماعی پدر و مادر است و کیفیت روابط خانوادگی، تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی دانش آموزان برجاسی گذارد. خانواده ای که از توان و امکانات لازم برخوردار است تا وظایف پدر و مادریش را به نحوی مطلوب و با موفقیت انجام دهد، در هر یک از اعضایش احساس ایمنی، وابستگی و رفاقت ایجاد می کند؛ همچنین احساس داشتن هدف، پیشرفت و ارزش فردی را در آنان به وجود می آورد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

این امر برای دانش آموز از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا خانواده بین او و دنیای گسترده، در حکم سپر، صافی و پل عمل می کند. بنابراین، خانواده نقش منحصر به فردی در پی ریزی اساس سازگاری فرد با جامعه ایفای کند. قابلیت های پیوستگی، همکاری، خلاقیت از زندگی خانوادگی نشأت می گیرد (پرینگل، ۱۳۸۹).

در سلسله نیازهای مثلث مازلو (۱۹۷۰) بعد از نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی، به مرحله نیاز به محبت و تعلق داشتن می رسیم که این دانش آموز (۱-ش) احساس می کرد که مورد محبت واقع نشده، تعلق به خانواده ندارد و خانواده در گشت و گذارها، خریدها و مهمانی ها او را مشارکت نمی دهد که باعث این مشکل (مدرسه گریزی) شده بود.

پیشنهادات برای والدین جهت علاقه مند شدن دانش آموزان به درس و ماندن در کلاس

کمک به علاقه دانش آموز به یادگیری

دانش آموز از همان اوان دانش آموزی، میل به یادگیری را نشان می دهد؛ بدنش را لمس می کند، و بعد اشیایی که در اطرافش وجود دارند را در دستانش می گیرد. اولین نقشی که والدین در این زمینه دارند این است که به این کنجکاو طبیعی کمک کنند. این کمک خیلی زود از سنین بسیار پایین آغاز می شود. دونالد وینیکوت، متخصص اطفال و روان درمانگر انگلیسی از یک بازی که آن را «معرفی اشیاء» می نامد، صحبت می کند: اشیاء را به دانش آموز نشان می دهید و در عین حال نام آنها را همراه با لبخند بر زبان می آورید، سپس به او اجازه می دهید آن را در دستانش بگیرد. بعدها وقتی دانش آموز بزرگتر شد مثلاً طی سفر یا بازدید از موزه ها او را به فرهنگ علاقه مند می کنید... دانش آموز باید ایفاگر نقش بماند و پدر و مادر در تکامل و پیشرفتش از او حمایت کنند.

نقش معلم را برایش ایفا نکنید

در مهد دانش آموز و دوران مدرسه، بین نقش والدین و معلم تقریباً تفاوتی وجود ندارد: برای دانش آموز کتاب می خوانند، شمردن را به او یاد می دهند و او را تشویق می کنند نقاشی بکشد... اما لازم است همگام با رشد دانش آموز، نقش والدین و معلمان از یکدیگر مشخص شود. این بدان معنا نیست که خود را از آموزش به دانش آموز منع کنیم بلکه از ایفا کردن نقش معلم خودداری کنیم. چنانچه خواسته شما از فرزندتان بیش از حد باشد و همه چیز حالت تربیتی و آموزشی داشته باشد، قطعاً این خطر وجود دارد که او را نسبت به هر گونه یادگیری دلزده کنید. علاوه بر آن، در رابطه پدر و مادر- فرزند، رابطه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

عاطفی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. پدر یا مادر می‌خواهند آمل و آرزوهای خود یا روند دوران تحصیلی خودشان را در مورد دختر یا پسرشان پیاده کنند. فرزند برای آنکه نسبت به پدر و مادر و معلمش «وفادار» بماند، سعی می‌کند خواسته آنان را عملی کند و در این صورت احتمال دارد دچار تعارض شود.

درس خواندن را برایش معنادار کنید

برای آنکه دانش آموز برای درس خواندن انگیزه داشته باشد و احساس مسئولیت کند باید درک کند که برای پدر و مادرش درس نمی‌خواند بلکه این کار را برای خودش انجام می‌دهد تا به هدفی شخصی دست یابد. همچنین او باید قادر باشد بین زندگی کنونی‌اش به‌عنوان دانش‌آموز و زندگی آینده‌اش به‌عنوان فردی بزرگسال ارتباط ایجاد کند و از دانش آموزی برنامه یا رؤیای شغل آینده‌اش را در ذهن بیروراند. «می‌خواهی یک دامپزشک بشوی؟ درس علوم خیلی برایت مهم است»، «یک خبرنگار بزرگ؟ یادگیری زبان‌های خارجی به تو کمک می‌کند...» البته این بدان معنا نیست که او را دربند برنامه‌ای دست نیافتنی و غیرعینی کنید بلکه به او کمک کنید تا به تلاش‌هایی که مدرسه از او می‌خواهد، معنا ببخشد.

به او یاد دهید زمان را اداره کند

اغلب بچه‌ها وقتی عادت می‌کنند تکالیفشان را به‌طور نامنظم انجام دهند، عاجز می‌شوند. از این رو باید خیلی زود به آنها ریتم منظم کاری داد. وقتی دانش آموز از مدرسه به خانه برمی‌گردد، چه زمانی بیشتر احساس راحتی می‌کند تا تکالیفش را انجام دهد؟ با در نظر گرفتن علائق او و محدودیت‌های خانواده، یک ساعت مشخص را برایش تعیین کنید. بدین ترتیب دانش آموزی که از همان کلاس اول هر روز بعد از خوردن عصرانه به خواندن عادت کند، بعدها نیز راحت‌تر می‌تواند وقت بیشتری را به‌طور منظم به انجام تکالیف مدرسه‌اش اختصاص دهد.

برای انجام تکالیف محیط مناسبی برایش فراهم کنید

بستگی به انتخاب خود دانش آموز دارد؛ داخل آشپزخانه، داخل اتاقش یا مکانی که همه افراد خانواده دور و بر او هستند... بعضی از بچه‌ها بیشتر از بچه‌های دیگر نیاز دارند تا با حضور والدینشان احساس حمایت کنند. اما در کل، هر چه دانش آموز بزرگ‌تر شود، برای انجام تکالیفش بیشتر به تنهایی نیاز دارد. بنابراین روش درست، آن است که از این استقلال حمایت کنیم:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

برای آنکه مطمئن شوید تکالیفش را انجام داده او را «نپایید» بلکه نشان دهید که به او اعتماد دارید؛ در عین حال نشان دهید که برای پاسخگویی به سؤالاتش در دسترس و مراقب ادامه روند تحصیلی اش هستید.

به جای قضاوت کردن بر او نظارت کنید

در هر حالتی، دانش آموز باید تکالیفش را خودش به تنهایی انجام دهد. چنانچه تکالیفش را «به جای او» انجام دهید، باعث می شود همه اعتمادی که به قابلیت هایش برای پیشرفت کردن دارد را از دست بدهد و در حالی که اجازه نمی دهید پیامدهای اشتباهاتش را تجربه کند، او را بی مسئولیت بارمی آورید. پدر و مادر بنا به درخواست دانش آموز و برای آنکه ببینند تکالیفش را به اتمام رسانده است باید مداخله کنند. این نظارت فرصتی است تا نقاط ضعف دانش آموز را مشخص کنند و به ویژه نشان دهند که شاهد تلاشها و زحمات او هستند. هیچ قضاوتی در مورد او نکنید، نمرات کلاسی اش کفایت می کند. همچنین افکاری از این دست را کنار بگذارید: «تو هیچی نفهمیدی»، «تومی تونستی بهتر از اینها کار کنی» و... به جای گفتن «تو» ترجیحا عباراتی بدون منظور به کار برید که او را برای اصلاح خود تشویق می کنند؛ مثلا، به جای آنکه بگویید: «تو ۳ بار اشتباه کرده ای» بگویید: «۳ اشتباه وجود دارد» و به خصوص فراموش نکنید که به ازای هر موفقیت به او تبریک بگویید.

نقاط قوتش را بازشناسید

اغلب پدر و مادرها در حالی که فراموش می کنند نقاط قوت فرزندشان را بشناسند، روی نمرات بد او تمرکز می کنند. زبان، هنرهای تجسمی، جغرافی، ورزش و... هیچ درسی نباید بی ارزش شمرده شود. همچنین می توان از طریق دروسی که فرزندتان بر آنها تسلط دارد، او را به سمت دروسی که در آنها مشکل دارد سوق دهید؛ علاقه او به هنرهای تجسمی فرصتی است تا او را به تاریخ علاقه مند کنید. علاقه او به ورزش باعث می شود تا در مورد نیرو، زمان و فاصله با او صحبت کنید و اهمیت ریاضی را به او نشان دهید.

به جای اینکه نگران شوید درک کنید

کجا مشکل داشته؟ چه چیزی را نفهمیده؟ چه کار کنیم تا دوباره این اشتباهات را تکرار نکند؟ اگر بنا باشد که با دیدن فقط یک نمره بد نگران نشویم، خوب است که در مورد علت های آن به روشنی و فوراً با دانش آموز و در صورت لزوم با معلمش صحبت کنیم. زیرا اگر مشکلات را به حال خود رها کنیم، احتمال دارد که یا نسبت به دانش آموز خیلی «سختگیر» شویم یا



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

بیش از حد او را به حال خودش رها کنیم. «هیچ کاری نمی‌شه کرد»، «هر کار بکنی، هیچی از ریاضی سرش نمی‌شه»؛ این دو برخورد انگیزه دانش آموز برای درس خواندن را به شدت از بین می‌برد.

نتیجه گیری:

در مشکل مورد بحث ما وقتی مشکل ریشه یابی شد و با قولی که از مادرش گرفتیم برای حضور در خانه و استقبال از فرزندش هنگام برگشتن از مدرسه، و دادن مسولیت به دانش آموز و برجسته کردن نقاط قوت دانش آموز، مشکل او حل شد و بعد از آن با آرامش بیشتری در سرکلاس حاضر می شد. تغییر در رفتار یک فرد به پروسه ی زمانی طولانی تری نیازمند است و نباید عجله و شتاب نمود. در مشکل مورد بحث ما وقتی مشکل ریشه یابی شد و با قولی که از مادرش گرفتیم برای حضور در خانه و استقبال از فرزندش هنگام برگشتن از مدرسه، و دادن مسولیت به دانش آموز و برجسته کردن نقاط قوت دانش آموز، مشکل او حل شد و بعد از آن با آرامش بیشتری در سرکلاس حاضر می شد. نکته ای که باید اشاره کرد این که تغییر در رفتار یک فرد به پروسه ی زمانی طولانی تری نیازمند است و نباید عجله و شتاب نمود. از جمله علل این تغییر رفتار احترام به شخصیت دانش آموز، چشم پوشی عیب ها و سعه صدر معلم برای جلوگیری از تضاد با دانش آموز، تشویق کوچک ترین رفتارهای مثبت و برجسته کردن این رفتار به ظاهری بی ارزش و مهم تر از همه ایجاد رابطه دوستانه بین معلم و دانش آموز می باشد. درست است که وجود استعداد های متفاوت در افراد، معلم را وادار می کند تا برخوردهای متفاوتی داشته باشند ولی در صمیمی بودن نباید تفاوت بگذارند. اگر معلم با دانش آموز صمیمی باشد، دانش آموزان نیز متقابلاً او را دوست خواهند داشت و همین رابطه دوستانه، باعث نفوذ معلم در دانش آموز می شود. دانش آموز اگر معلم خود را دوست بدارد، سخنان او را قبول می کند و خود را موظف به پیروی از او می بیند. در مشکل مورد بحث ما وقتی مشکل ریشه یابی شد و با قولی که از مادرش گرفتیم برای حضور در خانه و استقبال از فرزندش هنگام برگشتن از مدرسه، و دادن مسولیت به دانش آموز و برجسته کردن نقاط قوت دانش آموز، مشکل او حل شد و بعد از آن با آرامش بیشتری در سرکلاس حاضر می شد. نکته ای که باید اشاره کرد این که تغییر در رفتار یک فرد به پروسه ی زمانی طولانی تری نیازمند است و نباید عجله و شتاب نمود.

راهکارهایی برای حل مشکل مشابه در خانواده ها

۱- پدر و مادرها باید سعی کنند دانش آموزان خود را مستقل به بار آورند. دانش آموزی که همه ی امکانات زندگی به صورتی سهل و ساده در اختیارش گذاشته می شود، نخواهد توانست خود را با محیطی سازگار کند که هر کس از حقوقی مساوی سهم می برد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

۲- اعمال و رفتار پدر و مادر باید به نحوی باشد که دانش آموز آمادگی پذیرش محیط های جدید و سازش با آنها را داشته باشد.

۳- یاری و مساعدت والدین به دانش آموز، باید به نحوی غیرمستقیم انجام بگیرد و دانش آموز خود را عملی بالقوه و بالفعل در برابر مشکلات ببیند.

۴- بابر خورد صحیح و مشخص به دانش آموز بقبولانیم که روابط ما با او همیشه عادلانه و منصفانه خواهد بود (گنج جو، ۱۳۶۸)

فهرست منابع

۱- پرینگل، میاکلمر (۱۳۹۶)، نیازهای دانش آموزان، ترجمه نیره ایجاد و جواد شافعی مقدم، تهران، رشد

۲- حسینی، محمد (۱۳۹۸)، ترس از مدرسه، مجله تربیت، شماره ۲۸۱، صفحه ۴۸

۲- طالبی، احمد (۱۳۹۷)، مدرسه گریزی در دانش آموزان را جدی بگیریم،

۳- کمالی، حمید (۱۳۹۵)، آنچه هر معلمی باید بداند، تهران، نشر بهار سبز

۴- گنج جو، بهروز (۱۳۹۸)، «فوبیای مدرسه» ترس و مدرسه گریزی دانش آموزان، نشریه اطلاعات، شماره ۱۲۴، صفحه

۵- کریمی، رامین (۱۳۸۷)، آنچه هر معلمی باید بداند، تهران، نشر بهار سبز

۶- گنج جو، بهروز (۱۳۸۸)، «فوبیای مدرسه» ترس و مدرسه گریزی کودکان، نشریه اطلاعات، شماره ۱۲۴، صفحه ۱